

مقاله پژوهشی: امنیت ج.ا.ایران با تغییر قدرت‌های بزرگ تا سال ۲۰۴۰ میلادی

20.1001.1.33292538.1400.11.41.3.1

خسرو بوالحسنی^۱، عبدالرضا ادهمی^۲، اصغر اصغرزاده^۳، مرتضی پژوهان‌فر^۴، اکبر اصغرزاده بناب^۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۰۶

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۱۸

چکیده

جهان همواره شاهد ظهور و سقوط قدرت‌ها بوده و اهمیت مطالعه جابجایی قدرت‌های مزبور به این دلیل است که صلح و جنگ و امنیت سیستم بین‌الملل، با آن مرتبط است؛ بنابراین پژوهش حاضر با رویکرد آینده‌پژوهی، با تغییر قدرت‌های بزرگ تا سال ۲۰۴۰ میلادی، امنیت ج.ا.ایران و تأثیرگذاری عوامل تغییر قدرت‌ها را بررسی می‌کند. این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی، رویکرد حاکم بر آن روش توصیفی-تحلیلی است؛ بنابراین ابتدا به پیش‌بینی قدرت کشورها در قالب شاخص‌های اقتصادی و نظامی پرداخته، سپس به کمک نظریه دیلان و کیسان، چهار کشور چین، آمریکا، هند و روسیه مورد بررسی و سپس پرسش‌نامه نیمه ساختاریافته بین کارشناس متخصص و خبره که دارای تخصص و تجربه کافی پیرامون مسائل مورد طرح بودند، به تعداد ۳۰ نفر توزیع و نتایج در نرم‌افزار میک مک تحلیل گردید. نتایج حاصل نشان داد که روابط اقتصادی-نظامی-امنیتی، مسلماً در آینده بیشتر خواهد شد. ظهور چین به‌عنوان یک قدرت مسلم در آینده باعث خواهد شد تا ایران به علت منافع مشترک اقتصادی و عدم تضاد در آرمان‌ها، برای کاهش فشارهای امنیتی از سوی غرب و آمریکا به‌سوی چین سوق پیدا نماید و نقش روابط در تغییر سیستم به نفع چین در سال‌های آینده، پکن را به بازیگر مهمی در معادلات ایران و غرب تبدیل خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: امنیت، قدرت‌های بزرگ، ۲۰۴۰ میلادی.

۱. دانشیار گروه مدیریت دفاع استراتژیک، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.
۲. دانشیار جامعه‌شناسی و عضو هیأت‌علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران-شمال، تهران، ایران.
۳. استادیار دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران (نویسنده مسئول) asghar zad221@gmail.com
۴. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.
۵. دکترای تخصصی، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

جهان همواره شاهد ظهور و سقوط قدرت‌ها بوده و اهمیت مطالعه جابجایی قدرت‌های مزبور به این دلیل است که صلح، جنگ و امنیت سیستم بین‌الملل، با آن مرتبط است. چارلز دوران و دیلان کیسان در نظریه خود با عنوان چرخه قدرت بیان می‌کنند که با افزایش قدرت یک کشور، نقش آن نیز باید افزایش یابد، در غیر این صورت ممکن است تحولات ناخوشایندی در پهنه بین‌المللی رخ دهد. از سوی دیگر، تعادل میان قدرت و نقش، موجب آرامش و صلح بین‌المللی می‌گردد (حسن‌خانی و مسرور، ۱۳۹۶: ۱۵۹).

پژوهش پیش رو به بحث سنتی و دیرینه سرنوشت قدرت‌ها در بستر زمان می‌پردازد. قدرت‌ها در طول زمان رشد می‌کنند، به بلوغ می‌رسند و در نهایت در سرایشی سقوط قرار می‌گیرند، اما مدت‌زمان ظهور و سقوط دولت‌ها با هم متفاوت است. برخی دولت‌ها خیلی زود این مراحل را طی کرده و از صحنه حذف می‌شوند، اما برخی دیگر در مدت‌زمان طولانی‌تری مراحل خود را می‌گذرانند. بریتانیا یکی از کشورهایی است که در مدت‌زمان طولانی‌تری مراحل ظهور تا سقوط خود را گذرانده است. برخی دولت‌ها پس از سقوط، باز هم همچنان در سیستم حضور دارند، اما از برخی دیگر نامی نمی‌ماند؛ امپراتوری عثمانی یکی از این دولت‌ها است (امیدی و رشید، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

در تمامی دوران‌های گذشته، قدرت‌های کوچک و بزرگ همواره سعی داشته‌اند تا نفوذ، سود و منافع بیشتری کسب کرده و در مسیر به دست آوردن جایگاه برتر در معادلات منطقه‌ای و جهانی، از هیچ اقدامی فروگذار نکنند (برژیسکی، ۱۳۸۵: ۵). دانشمندان زیادی در زمینه ظهور و سقوط قدرت‌ها به مطالعه پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان ارگانسکی^۱، رابرت گیلپین^۲، کوینسی رایت^۳، جرج مدلسکی و چارلز دوران^۴ را نام برد (قلی‌زاده و شفیی، ۱۳۹۱: ۱۴۱-۱۳۹).

-
1. Organsky.
 2. Robert Gilpin.
 3. Quincy Wright.
 4. George Modelsky and Charles Doran.

جمهوری خلق چین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قدرت‌های در حال ظهور است که سه دهه از آغاز برنامه اصلاحات و در ادامه، رشد خیره‌کننده اقتصادی‌اش می‌گذرد. براساس اعلام بانک جهانی در سال ۲۰۱۹ میلادی، حجم تولید ناخالص داخلی چین معادل ۹,۲ تریلیون دلار؛ همچنین حجم صادرات کل این کشور در سال ۲۰۱۷ میلادی به میزان ۲۱۵۷ میلیون دلار بوده است (World DataBank, 2019).

پس از فروپاشی شوروی، هند از جمله کشورهایی بود که در نتیجه انجام اصلاحات اقتصادی توانست فقر، عقب‌ماندگی و بحران‌های اقتصادی گذشته را تا حدودی پشت سر گذاشته و به مرحله‌ای از توسعه اقتصادی دست یابد، به طوری که می‌توان آن را در زمره قدرت‌های منطقه‌ای و حتی در حال تبدیل شدن به قدرت بزرگ جهانی توصیف کرد. با انجام اصلاحات اقتصادی هند در سال ۱۹۹۱ میلادی، این کشور به چهارمین اقتصاد رو به رشد جهان و دومین از نظر سرعت رشد اقتصادی تبدیل شد (کولایی و واعظی، ۱۳۹۱: ۲۵۰-۲۴۹). براساس اعلام بانک جهانی، تولید ناخالص داخلی هند از سال ۲۰۱۳ تا سال ۲۰۱۹ به میزان ۷,۱۹ درصد افزایش داشته است و با داشتن تولید ناخالص داخلی ۳/۶۱۱ تریلیون دلار، در مقام چهارم جهان قرار دارد (World Bank, 2019).

روس‌ها در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کوشش مستمری را دنبال کردند تا این موضوع را القا کنند که روسیه همچنان یک قدرت بزرگ جهانی است. در حالت کلی می‌توان گفت، روسیه از نظر راهبردی، حائز بیشترین اهمیت در زمینه‌های زیر است:

۱. تنها کشور برخوردار از زرادخانه‌های هسته‌ای که قادر به نابودسازی ایالات متحده آمریکا است.
۲. به‌عنوان یک قدرت عمده در جست‌وجوی نقشی در عرصه جهانی است.
۳. در روند انطباق با وضعیت پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بوده و در حال توسعه نهادهای حکومتی و اقتصادی است.
۴. تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی، کشوری در حال گذار است (پیکرینگ، ۱۳۷۹: ۹۳).

براساس اعلام بانک جهانی در سال ۲۰۱۸ میلادی، حجم تولید ناخالص داخلی روسیه برابر ۴۱۶۶ میلیارد دلار و حجم صادرات کل این کشور در سال ۲۰۱۹ میلادی به میزان ۶۶۵ میلیارد دلار رسیده است (World Bank, 2019).

با فروپاشی شوروی، رقیب هم‌شأن آمریکا از بین رفت و نظام از حالت دوقطبی خارج شد. ایالات متحده آمریکا به‌عنوان تنها ابرقدرت باقی‌مانده، محور بسیاری از بحث‌های آکادمیک شد که به دنبال شناسایی نظام بین‌الملل جدید بودند. در واقع پس از دوره جنگ سرد، کسی تردید نداشت که آمریکا قدرت مسلط بین‌المللی است (جمشیدی، ۱۳۸۶: ۷۸۷). براساس آمارهای بانک جهانی، بیشترین میزان تولید ناخالص داخلی از آن این کشور است. در سال ۲۰۱۹ میلادی، حجم تولید ناخالص داخلی‌اش برابر معادل ۲۱ هزار و ۳۴۵ میلیارد دلار و حجم کل صادراتش به میزان ۶۲۹ میلیارد دلار بوده است (World DataBank, 2019). به استناد نظر موسوی و کهکی (۱۳۹۷) چون ۲۰ سال برای پیش‌بینی میان‌مدت مناسب بوده و از طرفی پیش‌بینی‌های بلندمدت با خطای زیادی مواجه می‌شود، بنابراین این پژوهش نیز بر آن است تا آینده قدرت‌های جهانی در سال ۲۰۴۰ میلادی و رتبه‌بندی آن‌ها را از لحاظ فاکتورهای قدرت، نشان دهد.

اگر کل قدرت اقتصادی - نظامی جهان را در دست این چهار کشور در نظر بگیریم، هرکدام از کشورهای مزبور سهمی از قدرت اقتصادی - نظامی را در اختیار خواهند داشت. البته این امر قطعاً صحیح نیست، چون قدرت‌های دیگری، مانند ژاپن، اتحادیه اروپا، برزیل و ... وجود دارند که سهم مهمی در قدرت اقتصادی - نظامی جهان دارند، اما محدودیت‌های این پژوهش اجازه بررسی بیشتر را نمی‌دهد. از سوی دیگر، ملاک انتخاب چهار کشور مزبور این بوده که آن‌ها از لحاظ معیارهای قدرت و بازیگری در عرصه سیاست بین‌الملل در نظر گرفته شده‌اند. ژاپن اگرچه یک قدرت اقتصادی است، اما قدرت هسته‌ای و بازیگری مهم در عرصه سیاسی بین‌الملل محسوب نمی‌شود. اتحادیه اروپا یک کشور نیست و تک‌تک اعضای آن جمعیت زیادی نداشته و فاقد معیارهای ذکر شده به‌صورت جامع می‌باشند.

حال سؤال اصلی پژوهش این است که جابه‌جایی قدرت‌های بزرگ تا سال ۲۰۴۰ میلادی چگونه خواهد بود و چه پیامدهای سیاسی برای ایران به دنبال خواهد داشت؟ در پاسخ، باید دو فرضیه را در نظر گرفت: ۱- با فرض افول نسبی قدرت اقتصادی ایالات متحده آمریکا در سال‌های آینده (۲۰۴۰) و ظهور قدرت رقیب دیگری مانند چین، فشارهای سیاسی بر ضد ایران با توجه به مشترکات سیاسی تهران- پکن تعدیل خواهد شد. ۲- به فرض ادامه روابط تنش آلود ایران- غرب، نباید چندان به تغییر اساسی در مناسبات ایران - آمریکا حتی پس از سال‌های ۲۰۴۰ میلادی امیدوار بود؛ زیرا کماکان آمریکا قدرت برتر اقتصادی- سیاسی و نظامی جهان، باقی خواهد ماند.

از مهم‌ترین مطالعات انجام‌شده در این زمینه، می‌توان به برخی از کتاب‌های منتشرشده توسط شورای اطلاعات ملی آمریکا در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ میلادی (روندهای جهانی ۲۰۲۰: جهان دگرگون‌شده / روندهای جهانی ۲۰۳۰: جهان جایگزین) اشاره کرد. پژوهش‌های مزبور براساس منابع آماری متفاوت، سال هدف و نتایج متفاوت صورت گرفته است. برخی نتایج تحقیق حاضر نیز با موارد مزبور همپوشانی دارد، گرچه هیچ اشاره‌ای به جابه‌جایی قدرت‌ها و تأثیر آن بر پیامدهای امنیتی ج.ا.ایران نشده است.

۱. مبانی نظری

روابط ایران و چین

به‌رغم فرازونشیب‌های فراوان در تاریخ ایران و چین، حفظ و توسعه روابط دوجانبه از اصول خدشه‌ناپذیر سیاست خارجی در کشور بوده است. برخی از ویژگی‌ها از جمله رهبری در حوزه تمدنی در شرق و غرب آسیا، مبانی اصولی سیاست خارجی در کشور از جمله احترام به تمامیت ارضی کشورها، عدم دخالت در امور داخلی کشورها، اعتقاد به اصول همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه جهانی و همچنین مواضع جمهوری اسلامی ایران مبنی بر عدم وابستگی به بلوک‌های سیاسی، نفی رفتار تبعیض‌آمیز قدرت‌های غربی با کشورهای آسیایی و برقراری هژمونی اقتدارگرایانه در روابط بین‌الملل و راهبرد تنوع

شرکای سیاسی و تجاری در اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه، گسترش روابط با کشورهای در حال توسعه موجب افزایش روابط با جمهوری خلق چین گردیده (چانگ^۱، ۲۰۱۱).

دو کشور در سال ۲۰۱۹ میلادی بیش از ۲۰ میلیارد دلار تجارت مشترک داشته‌اند و آمارها نشان می‌دهند با وجود تحریم‌های آمریکا، ایران و چین توانسته‌اند تجارت مشترک خود را حفظ کنند (سازمان توسعه تجارت ایران، ۱۳۹۸).

در ضمن با توجه به سفر رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در سال ۱۳۹۸ به کشور چین، سطح تعاملات دوجانبه تهران- پکن در حوزه‌های دفاعی و نظامی نیز به توسعه کمی و کیفی همکاری‌های دفاعی با کشور چین دو طرف در همکاری‌های دوجانبه در راستای استقرار صلح و امنیت پایدار در منطقه اتفاق نظر داشتند.

وزیر دفاع چین^۲ نیز در این دیدار با مثبت ارزیابی کردن روابط دوجانبه دفاعی میان تهران و پکن اعلام داشته: روابط راهبردی چین و ایران از سالیان دور ادامه داشته و فضا سازی‌های مداخله‌آمیز برخی قدرت‌ها هرگز بر روابط عمیق و دوستانه دو کشور تأثیر نخواهد داشت و از مواضع ایران در جوامع بین‌الملل حمایت خواهد نمود (حاتمی، ۱۳۹۸).

دغدغه‌های مشترک ایران و چین

مهم‌ترین دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک جمهوری اسلامی ایران و چین به ترتیب اولویت به شرح زیر می‌باشند: (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۳).

۱. تسلط آمریکا بر خاورمیانه.
۲. توسعه و گسترش تجاوز نظامی در منطقه آسیای جنوب غربی.
۳. حضور نیروی دریایی آمریکا در سواحل کشورهای متحد آمریکا در منطقه آسیای جنوب غربی.

۴. اتکای چین و ایران به دریاها برای انتقال انرژی و صادرات کالا.
۵. افزایش آسیب‌پذیری‌های منافع ایران و چین از ناحیه تحولات جهانی و منطقه‌ای.
۶. جایگزین کردن مسیر دیگری به‌جای ایران برای جاده ابریشم توسط رقبای بین‌المللی و منطقه‌ای ج.ا.ایران.
۷. آمریکا در پی مهار کردن توان نظامی یکن و تهران است.
۸. حضور عامل مداخله‌گر خارجی در منطقه خلیج فارس.
۹. دزدان دریایی.
۱۰. «امنیت انرژی» و چشم‌انداز آن.
۱۱. اختلافات بر سر نفت در منطقه آسیای جنوب غربی.
۱۲. خطوط دریایی نقل و انتقال کالا و انرژی به‌عنوان مهم‌ترین نقاط آسیب‌پذیری.
۱۳. کشمکش‌ها برای برتری جویی منطقه‌ای در منطقه آسیای جنوب غربی.
۱۴. هر نوع تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی اسلامی.
۱۵. بی‌ثباتی سیاسی.
۱۶. رقابت‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی در صحنه ژئواستراتژیک آسیا.

قدرت‌های بزرگ^۱

دولت‌ها از نظر حقوقی برابرند، اما از نظر میزان و سطح قدرت با یکدیگر تفاوت‌های فاحشی دارند. با توجه به میزان قدرت دولت‌ها، آن‌ها در سطوح مختلفی دسته‌بندی شده‌اند. در این دسته‌بندی قدرت‌ها به هفت گروه تقسیم شده‌اند که عبارت‌اند از: ۱- قدرت‌های درجه اول؛ ۲- قدرت‌های درجه دوم؛ ۳- قدرت‌های

1. Grate Powers.
2. Primarily Powers.
3. Second powers.

متوسط^۱؛ ۴- قدرت‌های کوچک^۲، ۵- قدرت‌های منطقه‌ای^۳؛ ۶- کشورهای ذره‌ای^۴ و ۷- مستعمرات^۵.

قدرت‌های درجه اول کشورهایی هستند که از نظر عوامل مادی و معنوی قدرت بر دیگر کشورها برتری دارند. این ویژگی باعث می‌شود که آن‌ها بتوانند بر سیاست داخلی و خارجی سایر دولت‌ها در دیگر مناطق جهان تأثیر بگذارند. عنوان دیگری که برای قدرت‌های درجه اول به کار برده می‌شود ابرقدرت است. قدرت‌های درجه دوم در مقایسه با قدرت‌های درجه اول قدرت محدودتری دارند، اما آن‌ها نیز با توجه به میزان قدرت خود توان تأثیرگذاری بر سیاست داخلی و خارجی سایر دولت‌ها را در برخی از مناطق دارند. این دو گروه از قدرت‌ها که توان تأثیرگذاری بر سیاست‌های کشورهای سایر مناطق را نیز دارند، به‌عنوان قدرت‌های بزرگ شناخته می‌شوند و به‌عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر تحولات مناطق به حساب می‌آیند (قاسمی و ناظری، ۱۳۹۰: ۱۳۸).

امنیت ج.ا.ایران

مفهوم امنیت، به معنای اعم از منظر اندیشمندان اجتماعی و محققان سیاسی، مانند سایر مفاهیم اساسی و رایج در علوم انسانی، نظیر صلح، عدالت و آزادی در معرض تفسیرها و تعبیرهای گوناگون بوده است. امنیت، مقوله‌ای است که جامعه و دولت به همراه یکدیگر، در تأمین آن سهم و شریک هستند؛ بر این اساس، به تدریج و همگام با جدایی‌ناپذیر شدن دولت و جامعه از همدیگر، همین حالت در خصوص ناامنی آن دو، مصداق پیدا می‌کند (بوزان^۶، ۱۳۷۸: ۹).

-
- 1 . Average powers.
 2. Small powers.
 3. Regional governments.
 4. Particle states.
 5. Colonials.
 6. Buzan.

در تعریفی امنیت عمومی وضعیتی است که ضمن حفظ و حراست از ارزش‌های اساسی و هنجارهای جامعه، عموم مردم از هرگونه تعرض و تهدیدی نسبت به جان، مال، ناموس و عرض خود در امان بوده و در خصوص رعایت و حمایت از حقوق مشروع خود از طرف سایر بازیگران (افراد، گروه‌ها، نهادها و دولت) اطمینان خاطر داشته و احساس آرامش نمایند (مؤمنی، ۱۳۹۴: ۲۸).

امروزه تهدیدات امنیتی، براساس میزان، شدت و قدرت آسیب‌زایی‌شان نسبت به تمامیت و هویت ارزش نظام، تعریف و طبقه‌بندی می‌شوند. از این منظر، باید به تهدیدهای امنیتی، نگاه دوباره نمود. سایه تهدید در تمامی جوامع وجود داشته و مصالح و منافع، کیان کشور و استقلال و ثبات و مشروعیت و مقبولیت آن را به خطر انداخته است. در حقیقت، امنیت و مؤلفه‌های آن را باید بر پایه همین تهدیدها، بنا نهاد. تهدیدهای امنیتی متناسب با وضعیت هر کشور و هر جامعه‌ای متفاوت بوده و درجات آسیب‌پذیری‌شان متغیر است؛ بنابراین می‌توان گفت هرگونه رویدادی که ثبات، تعادل و انسجام جامعه را برهم بزند، تهدید امنیتی محسوب می‌گردد. به عبارت دیگر، می‌توان بیان داشت که: تهدید امنیتی به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که بقای رژیم‌ها و نظام شهروندی، ارزش‌های حاکم و هنجارهای پذیرفته‌شده، حاکمیت قانون و شیوه زندگی آحاد جامعه را مختل و موجودیت آن‌ها را به خطر بیندازد (محسنی، ۱۳۷۹: ۳).

از دیدگاه بوزان امنیت اجتماعات بشری به چهار مقوله تقسیم می‌شود: نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی.

تغییر قدرت

تئوری چرخه قدرت، روشی برای مقایسه بازیگران دولتی در درون سیستم بین‌الملل است که به محاسبه قدرت نسبی آن‌ها به کمک چند شاخص مادی می‌پردازد. سیستمی که در اینجا تعریف می‌شود، تنها شامل قدرت‌های بزرگ است که سیاست‌های بین‌المللی بین آن‌ها حکم‌فرما است (Kissane, 2005: 2008).

شاخص‌هایی که در تئوری چرخه قدرت به اندازه‌گیری قدرت کشورها می‌پردازند، شاخص‌های سنتی قدرت بوده که بر قدرت اقتصادی، جمعیت و قدرت نظامی تأکید دارند. هرچند امروزه در معیارهای قدرت یک کشور تجدیدنظر شده و شاخص‌های جدیدی از رشد و توسعه به آن اضافه شده، اما با این حال، هنوز هم شاخص‌های سنتی قدرت، اولین معیارهایی هستند که هنگام بحث در مورد قدرت یک کشور به ذهن می‌رسند.

دوران و کیسان^۱ (۲۰۰۵)، یکی از نظریه‌پردازان در زمینه تئوری چرخه قدرت و نقش، شش عنصر برای کشورها برشمرده و آن‌ها را در قالب دو شاخص طبقه‌بندی کرده و سپس با اندازه‌گیری آن‌ها به صورت نسبی، به تعیین منحنی چرخه قدرت و نقاط بحرانی آن در مورد هر کشور پرداخته است. در حقیقت، کیسان از سه عنصر در قالب سه شاخص نام می‌برد؛ سه عنصر آخر، قدرت نرم بوده و آن‌ها را به صورت قدرت نرم ۱، قدرت نرم ۲ و قدرت نرم ۳ نام‌گذاری می‌کند و بیان می‌دارد که این سه عنصر نامشخص بوده و غیرقابل کمی‌سازی هستند. او ارائه سه عنصر قدرت نرم با قابلیت کمی‌سازی را بر عهده اندیشمندان آینده می‌گذارد. این عناصر و شاخص‌ها به صورت زیر هستند:

• شاخص نظامی

- مخارج نظامی
- کارکنان نظامی
- درآمد سرانه مخارج نظامی برای هر سرباز

• شاخص اقتصادی

- تولید آهن و فولاد
- مصرف انرژی
- شهرنشینی

در این پژوهش، شاخص‌های قدرت اقتصادی و قدرت نظامی برای کمی‌سازی و محاسبه قدرت کشورها تا سال ۲۰۴۰ میلادی، به صورت زیر طبقه‌بندی شده‌اند. برخی

1 . Doran and Kissane.

شاخص‌ها در این پژوهش تغییر یافته‌اند؛ زیرا از شاخص‌های کیسان در گذشته و تا اواسط قرن بیستم استفاده می‌شده، اما امروزه برای اندازه‌گیری قدرت اقتصادی کشورها از فاکتورهای مهم دیگری همچون شاخص تولید ناخالص داخلی^۱ و میزان صادرات و ... استفاده می‌شود. دلایل استفاده از هر شاخص در زیر آمده است:

• قدرت‌های نظامی

- میزان سلاح‌های هسته‌ای
- میزان هزینه‌های نظامی
- تعداد نیروها و کارکنان نظامی

• قدرت‌های اقتصادی

- تولید ناخالص داخلی
- صادرات کل
- جمعیت شهری

معیار انتخاب این شاخص‌ها به صورت زیر است: امروزه تولید ناخالص داخلی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های قدرت، رشد و توسعه اقتصادی کشورها محسوب می‌شود و صادرات کل نیز از مهم‌ترین شاخص‌های تجارت و توسعه به شمار می‌آید.

جمعیت شهری از دیرباز یکی از فاکتورهای قدرت سنتی کشورها بوده است (زرقانی، ۱۳۸۸: ۱۳۷-۱۲۱). شاخص مزبور به این دلیل انتخاب شده که قدرت‌های بزرگ اغلب جمعیت زیادی داشته‌اند و همین به عنوان نیروی مولد و دفاعی و ... آن‌ها محسوب می‌شده است. جمعیت شهری، بیشتر نشانگر توسعه یک کشور است. البته به موازات جمعیت کمی اگر کشوری از جمعیت کیفی بالایی برخوردار باشد به طبع قدرت کیفی آن کشور مضاعف خواهد شد (بنابراین در این تحقیق برای کشورهای آمریکا، روسیه، چین و هند جمعیت شهری یا جمعیت کمی یکی از شاخص‌ها در نظر گرفته شده). همچنین کشورهای زیادی وجود دارند که حتی ممکن است از رشد اقتصادی خوبی

1. Gross Domestic Product (GDP).

برخوردار باشند، اما قدرت بزرگ به حساب نمی‌آیند، زیرا از جمعیت چندانی برخوردار نیستند. شاید یکی از دلایل انتخاب هند در این پژوهش، فاکتور جمعیت آن بوده و چنانچه کشور مذکور، رشد اقتصادی خود را ادامه دهد، به‌زودی یکی از قدرت‌های مطرح در جهان خواهد گردید.

سه شاخص نظامی نیز برای اندازه‌گیری قدرت نظامی این کشورها انتخاب شده که شامل میزان سلاح‌های هسته‌ای، هزینه‌های نظامی و تعداد نیروها و قوای نظامی هر کشور است. این شاخص‌ها نشان‌دهنده قدرت نظامی سستی یک کشور هستند. تعداد جمعیت نظامی نیز یکی از شاخص‌های سستی قدرت نظامی محسوب می‌شود که اغلب نیروی انسانی بیشتری را به خدمت می‌گیرند (زرقانی، ۱۳۸۸: ۱۷۳-۱۲۱).

۲. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق با توجه به موضوع و هدف تحقیق، براساس روش آینده‌پژوهی، تبیینی است و به‌منظور گردآوری اطلاعات برای کسب بینش نظری لازم و بررسی ادبیات موضوع و داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز دیگر از شیوه کتابخانه‌ای استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات با به‌کارگیری فن تحلیل اثرات متقابل - ساختاری مورد ارزیابی قرار گرفت و از نرم‌افزار تخصصی آینده‌پژوهی MICMAC در این پژوهش استفاده شده است.

بنابراین پژوهش حاضر با رویکرد آینده‌پژوهی، امنیت ج.ا.ایران را با تغییر قدرت‌های بزرگ تا سال ۲۰۴۰ میلادی ارزیابی و میزان و چگونگی تأثیرگذاری این عوامل را در تغییر قدرت بررسی می‌کند. نوشتار پیش رو از لحاظ هدف کاربردی است و با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی، رویکرد حاکم بر آن روش توصیفی-تحلیلی است و از فن دلفی برای شناسایی متغیرها و شاخص‌ها استفاده شده است. به‌منظور انتخاب آگاهانه شرکت‌کنندگان، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. اساس به کار بردن روش نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب گروهی از خبرگان است که بررسی عمیق یا فهمی کلی نسبت به ماهیت پرسشنامه پژوهش داشته باشند.

از ویژگی‌های جامعه خبره که در این مقاله از آن‌ها استفاده شد، شامل مواردی به شرح زیر بودند:

۱. تعداد ۱۵ نفر دارای سابقه مستشاری در کشور هند و چین بودند.
 ۲. تعداد ۲۴ نفر دارای سابقه تدریس و مطالعات در این زمینه بودند.
 ۳. تعداد ۲۱ نفر دارای آثار علمی ارزشمند مثل کتاب و مقاله در حوزه قدرت ملی و امنیت بودند.
 ۴. تعداد ۲۸ دارای تحصیلات تکمیلی بودند که از این تعداد هشت نفر در رشته امنیت ملی از دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی فارغ‌التحصیل شده بودند.
- در این راستا در مرحله اول برای جمع‌آوری متغیرها از مقالات علمی-پژوهشی و مروری منتشرشده در زمینه تغییر قدرت‌های بزرگ در آینده استفاده شد. برای بررسی روایی مطابق نظر لینکلن و گوبا^۱ از دو فن از نوع روایی پژوهش‌های کیفی استفاده شد.
۱. کنترل بیرونی پژوهش از طریق داوری (کسی که پژوهشگر را صادق نگاه می‌دارد؛ از او پرسش‌های دشواری درباره‌ی روش‌ها، معانی و تفسیرها می‌کند و صبورانه به سخنان او گوش می‌دهد).
 ۲. دریافت نظر شرکت‌کنندگان در پژوهش درباره اعتبار یافته‌ها و تفسیرها است. برای این کار یافته‌ها، تفسیرها و نتایج پژوهش در گروهی کانونی متشکل از خبرگان در پژوهش مورد قضاوت قرار گرفتند که روایی متغیرهای به‌دست‌آمده تأیید شدند.

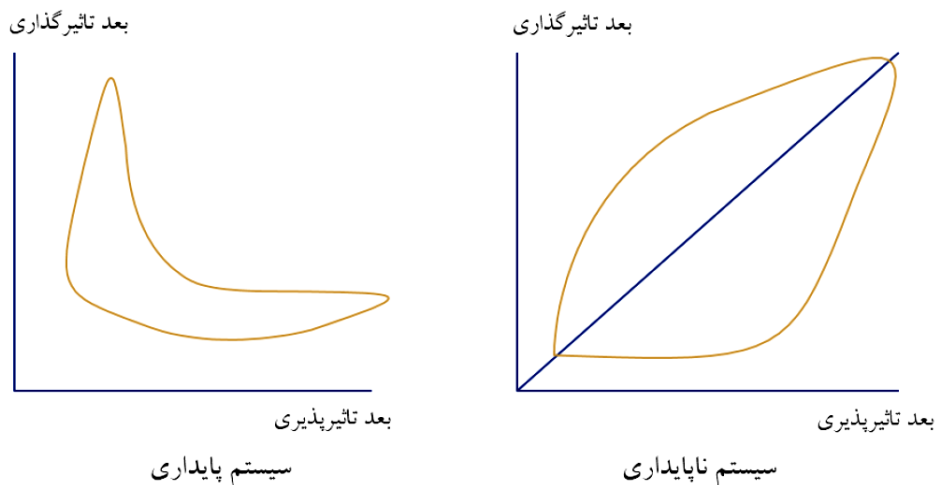
همچنین برای بررسی پایایی نیز سه کدگذار خبره کدگذاری را انجام دادند که «ثبات پاسخ‌ها با کدگذاری‌های مختلف مجموعه داده‌ها» نشان از تأیید پایایی بود.

سپس پرسش‌نامه نیمه ساختاریافته بین کارشناس متخصص و خبره که دارای تخصص و تجربه کافی پیرامون مسائل پیامدهای امنیتی ج.ا.ایران و قدرت‌های بزرگ بودند، توزیع

شد (به تعداد ۳۰ نفر) و از آن‌ها خواسته شد تا در چارچوب ماتریس اثرات متقاطع^۱ به متغیرها، بر مبنای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری با اعدادی در طیف صفر تا سه امتیاز دهند (براساس استاندارد نرم‌افزار میک مک). در این امتیازدهی «صفر» به منزله بدون تأثیر، «یک»، تأثیر ضعیف؛ «دو» تأثیر متوسط و «سه» به معنای تأثیر زیاد است؛ سپس امتیازها در ماتریس متقاطع وارد شد تا تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم هرکدام از عوامل سنجدیده شود و با توجه به امتیاز تأثیرگذاری و تأثیرپذیری عوامل کلیدی به دست آیند.

نحوه پراکنش عوامل روی این نمودار گویای آن است که سیستم در چه وضعیتی قرار دارد. آیا سیستم پایدار است یا ناپایدار؟ این فهم اولیه از وضعیت سیستم بر نحوه تحلیل عوامل تأثیرگذار است. در دستگاه‌های پایدار پراکنش عوامل به صورت L است؛ یعنی برخی عوامل دارای تأثیرگذاری و برخی دارای تأثیرپذیری بالا هستند؛ بنابراین در سیستم‌های پایدار در مجموع سه دسته عوامل تأثیرگذار، عوامل تأثیرپذیر و عوامل مستقل مشاهده می‌شود. در مقابل، در سیستم‌های ناپایدار وضعیت پیچیده‌تر از سیستم‌های پایدار است. در این سیستم‌ها عوامل حول محور قطری بردار و در تمامی صفحه پراکنده‌اند و عوامل در بیشتر مواقع حالتی بینابینی دارند (شکل ۱).

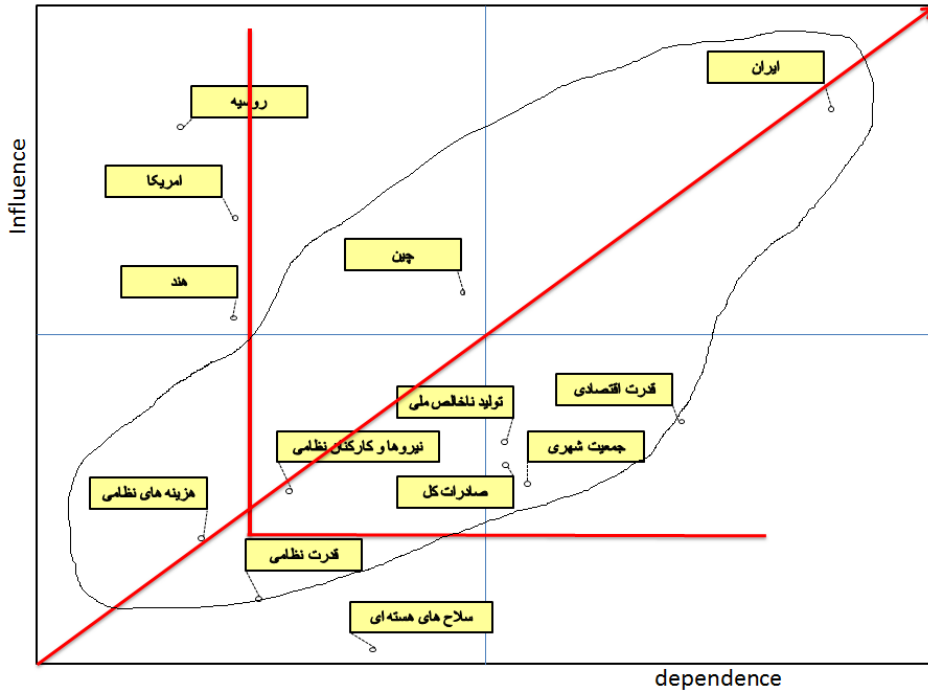
^۱ . این روش را تئودور گوردن و الفا هلمر در سال ۱۹۶۶ میلادی ایجاد کردند و نتیجه پاسخ به این پرسش ساده بود: آیا پیش‌بینی می‌تواند بر پایه ادراک چگونگی اثرات حوادث آینده باشد؟ مراحل اجرای این روش عبارت‌اند از: مرحله کشف اولیه، مرحله احتمال سازی، مرحله یکپارچه‌سازی و مرحله اجرا.



شکل شماره ۱: سیستم‌های پایدار و ناپایدار (زالی و منصورى بیرجندى، ۱۳۹۴: ۲۲)

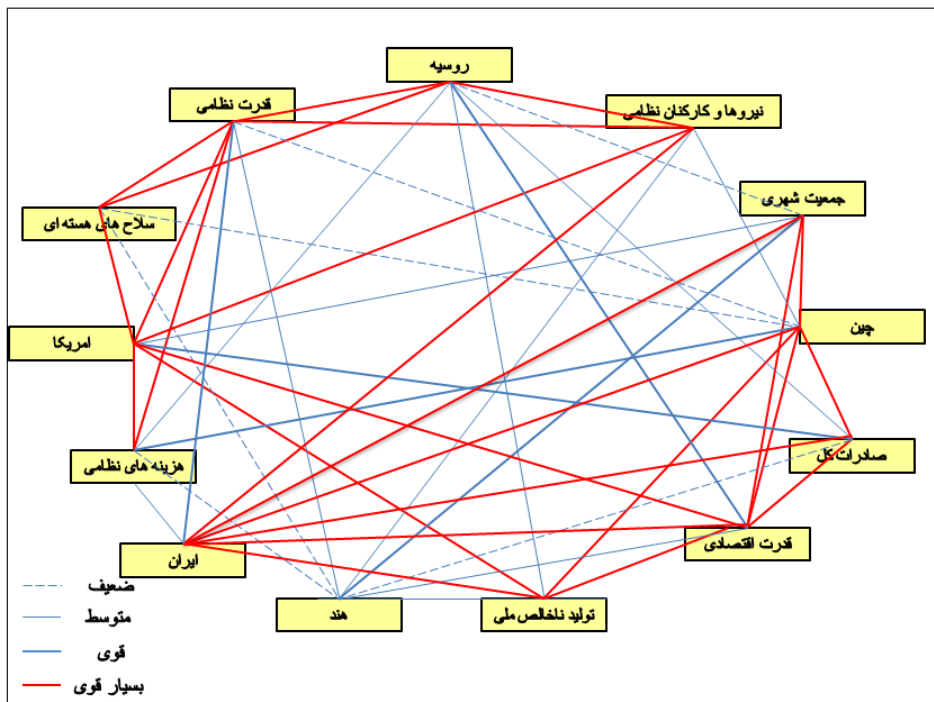
۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

همان‌طور که در خروجی (نمودار شماره ۱) مشاهده می‌شود، پراکندگی متغیرهای اثرگذار مستقیم و غیرمستقیم تغییر قدرت‌های بزرگ تا سال ۲۰۴۰ میلادی نشان می‌دهد که وضعیت پایداری در سیستم، بیشتر متأثر از متغیرهای مستقل است و متغیرها از وضعیت مشابهی نسبت به همدیگر برخوردارند که فقط شدت و ضعف آن‌ها متفاوت است. بیان این نکته لازم است که قضاوت نهایی در این خصوص مشروط به بررسی هم‌زمان تحلیل آثار مستقیم و غیرمستقیم است. نکته مهم در تحلیل آثار متقاطع، امکان قضاوت در خصوص سایر مؤلفه‌ها و معیارهای مطرح شده است. به بیان دیگر اگر هدف، فقط طبقه‌بندی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های مؤثر بر تغییر قدرت‌ها در آینده بود، روش‌های بسیار ساده‌تری برای این مهم وجود دارد. حال آنکه سایر روش‌ها امکان طبقه‌بندی و بیان ویژگی سایر مؤلفه‌ها را ندارند.



نمودار شماره ۱: پراکنندگی متغیرهای مستقیم و جایگاه آن‌ها در محور اثرگذاری

هدف از تحلیل نمودار پراکنندگی متغیرهای مستقیم و جایگاه آن‌ها در محور اثرگذاری، یافتن عوامل کلیدی مؤثر بر تغییر قدرت‌های بزرگ تا سال ۲۰۴۰ میلادی است. با توجه به شکل نمودار شماره ۱، عوامل کلیدی به لحاظ اثرگذاری و اثرپذیری قابل ارائه خواهند بود. در این راستا، از بین هشت شاخص بررسی شده، شش عامل کلیدی که می‌توانند در تدوین پیامدهای امنیتی ج.ا.ایران با تغییر قدرت‌های بزرگ تا سال ۲۰۴۰ میلادی نقش را داشته باشند در بُعد قدرت اقتصادی عبارت‌اند از: ۱- تولید ناخالص ملی؛ ۲- صادرات کل؛ ۳- جمعیت شهری و در بُعد قدرت نظامی عبارت‌اند از: ۱- سلاح‌های هسته‌ای؛ ۲- هزینه‌های نظامی و ۳- نیروها و کارکنان نظامی.



نمودار شماره ۲: گراف چرخه اثرگذاری (خروجی نرم‌افزار میک مک)

گراف اثرگذاری نشان‌دهنده روابط بین متغیرها و چگونگی اثرگذاری آن‌ها بر یکدیگر است. این گراف در قالب خطوط قرمز و آبی نشان داده می‌شود. در این گراف، اندازه‌گیری تأثیرات ضعیف، متوسط (میان‌ه)، نسبتاً قوی و تأثیرات بسیار قوی وجود دارد. در واقع، خطوط قرمز نشان‌دهنده اثرگذاری شدید عوامل بر همدیگر است و خطوط آبی، با تفاوت در ضخامت، روابط متوسط تا ضعیف را نشان می‌دهد.

نتایج به‌دست‌آمده از منحنی‌های سهم درصدی قدرت اقتصادی- نظامی چهار کشور مذکور به شرح زیر است:

۱. گراف چرخه اثرگذاری قدرت اقتصادی- نظامی چین، نشان می‌دهد که رشد سریع این کشور به‌ویژه در زمینه اقتصادی (حداقل تا سال ۲۰۴۰) یک امر غیرقابل انکار است. همچنین براساس نمودار شماره ۱ و متغیرهای نزدیک به خط قطری نیز، ابرقدرت شدن

چین به نفع کشور جمهوری اسلامی ایران است و این نشأت گرفته از منافع مشترک اقتصادی و عدم تضاد در آرمان‌های ج.ا.ایران است.

۲. گراف چرخه اثرگذاری قدرت اقتصادی- نظامی آمریکا، بیانگر افول نسبی این کشور است، اما کشور مزبور حداقل همچنان یکی از مهم‌ترین قدرت‌های اقتصادی- نظامی تا نیمه این دو قرن خواهد بود.

۳. گراف چرخه اثرگذاری قدرت اقتصادی- نظامی روسیه، رشد سریع این کشور به‌ویژه در زمینه نظامی (حداقل تا سال ۲۰۴۰) را نشان می‌دهد.

۴. گراف چرخه اثرگذاری قدرت اقتصادی- نظامی هند، یک رشد خوب را نشان می‌دهد و این روند همچنان تا سال ۲۰۴۰ میلادی حفظ خواهد شد.

۵. با توجه به گراف چرخه اثرگذاری می‌توان به یک رتبه‌بندی از قدرت اقتصادی- نظامی در بین این چهار کشور تا سال ۲۰۴۰ میلادی دست یافت: چین از بُعد اقتصادی به جایگاه آمریکا دست خواهد یافت و در سال ۲۰۴۰ میلادی تقریباً برابر هستند، روسیه در جایگاه سوم و هند در جایگاه چهارم است و به‌رغم رشد خیره‌کننده چین، قدرت‌های دیگری نیز وجود دارند که سهم مهمی از قدرت در جهان را خواهند داشت و آمریکا یکی از آن‌ها است.

در مرحله بعد برای استخراج عوامل، به جابه‌جایی و همچنین رتبه‌بندی متغیرهای مورد نظر به لحاظ تأثیرگذاری پرداخته می‌شود (جدول ۱).

جدول شماره ۱: عوامل کلیدی مؤثر بر تغییر قدرت‌های بزرگ

رتبه	متغیر	تأثیرگذاری
۱	سلاح‌های هسته‌ای	۹
۲	هزینه‌های نظامی	۹
۳	نیروها و کارکنان نظامی	۱۱
۴	تولید ناخالص ملی	۱۱
۵	صادرات کل	۹
۶	جمعیت شهری	۹

حال براساس نتایج به دست آمده دو شاخص تولید ناخالص ملی و نیروها و کارکنان نظامی دارای بیشترین تأثیر بر تغییر قدرت‌های بزرگ تعیین گردیدند.

نتیجه گیری

قدرت یکی از کلیدی‌ترین مباحث علم سیاست است و نقش تعیین‌کننده در تأمین اهداف و منافع ملی کشورها دارد. کشورهایی که احساس می‌کنند سهم آنان از قدرت جهانی کم است و با توجه به امکانات و مقدرات خود، شایسته جایگاه بهتری در نظام بین‌الملل هستند، سیاست افزایش قدرت را در پیش می‌گیرند، طبیعی است که جمهوری اسلامی ایران به دلایل مختلف از جمله موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی و امکانات و منابع فراوان و براساس آموزه‌های دینی، تدابیر مقام معظم رهبری و سند چشم‌انداز به دنبال ارتقاء قدرت در ابعاد مختلف آن است؛ اما برای ارتقاء قدرت، از جمله قدرت سیاسی و دفاعی بایستی محیط داخلی و فضای متغیر بین‌المللی را شناخت؛ یعنی اینکه هم به مقدرات و امکانات داخلی توجه نمود و هم محذورات و ملزومات بین‌المللی را درک کرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد؛ در محیط داخلی، اگرچه جمهوری اسلامی ایران در مؤلفه‌های رهبری، روحیه ملی، ساختار حکومت، اعتبار ملی و انسجام مذهبی - سیاسی واجد شرایط مطلوب بوده و نقاط قوت برای ج.ا.ایران و تهدید برای رقبا و دشمنان محسوب می‌گردند. ولی در مؤلفه «اتحاد و ائتلاف‌های نظامی و امنیتی» نیز به دلیل نداشتن متحدان راهبردی یا مشارکت نداشتن در سازوکارهای امنیتی و پیمان‌های نظامی، دارای ضعف امنیتی بوده و برای دشمنان فرصت محسوب می‌گردد و اما در محیط منطقه‌ای کشورهای مورد مطالعه دارای شرایط زیر خواهند بود:

پیش‌بینی اقتصادی کشورها، در شاخص تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۴۰ میلادی، آمریکا همچنان در رتبه اول، چین با رقمی بسیار نزدیک به آمریکا در رتبه دوم، هند در جایگاه سوم و روسیه مقام آخر را خواهد داشت. در جمعیت شهری، چین در رتبه اول و هند در رتبه دوم، آمریکا در رتبه سوم و روسیه در رتبه چهارم خواهد بود. در صادرات کل، چین با اختلاف زیاد در مقام اول، آمریکا در مقام دوم، هند در مقام سوم و روسیه در مقام آخر خواهد بود.

از جهت نظامی، در شاخص کارکنان نظامی تا سال ۲۰۴۰ میلادی، چین در مقام اول، هند در مقام دوم، آمریکا در مقام سوم و روسیه در مقام چهارم است. در شاخص سلاح‌ها و کلاهک‌های هسته‌ای، در مجموع تا سال ۲۰۴۰ میلادی، آمریکا اول، روسیه دوم، چین سوم و هند در رتبه چهارم است. در شاخص هزینه‌های نظامی تا سال ۲۰۴۰ میلادی، آمریکا در رتبه اول، چین در رتبه دوم، روسیه در رتبه سوم و هند چهارم خواهد بود.

پس از محاسبه‌ی سهم قدرت اقتصادی - نظامی چهار کشور از کل سیستم تا سال ۲۰۴۰ میلادی، آمریکا همچنان در مقام اول، چین در مقام دوم، هند در مقام سوم و روسیه در آخر خواهد بود. آنچه در این نمودار مهم است، نقاط عطف و تحول در منحنی هر یک از این کشورها است. چین یک قدرت در حال صعود و آمریکا قدرتی در حال افول است. هند با رشد کمتر و روسیه بدون رشد خواهد بود.

طبق نظریه چرخه قدرت، آمریکا قدرت در حال افول است که به نقطه تحول پایینی خود نزدیک می‌شود و هرگونه تصمیم غیرعقلانی، باعث بروز تنش در سیستم آن خواهد گردید. چین در حال صعود است و به نقطه تحول بالایی خود نزدیک می‌شود. این کشور، نقش کمتری نسبت به قدرت خود ایفا می‌کند. سیستم باید با قدرت اقتصادی - نظامی این کشور کنار آمده و نقش بیشتری به کشور مزبور بدهد تا از بروز بحران جلوگیری کند. روسیه از نقطه تحول پایینی خود گذشته و به ثبات رسیده است. آنچه این کشور را در بین قدرت‌های بزرگ ننگه می‌دارد، قدرت نظامی اوست. این کشور بر مبنای قدرت نظامی خود، به ایفای نقش می‌پردازد؛ هند نیز در آینده‌های دورتر نیاز به نقش‌پذیری عمده‌ای دارد.

نکته‌ای که وجود دارد، این است که آمریکا در آینده نیز همچنان قدرت برتر سیستم خواهد بود و با توجه به تنش‌های موجود میان ایران و کشور مزبور، همچنان امنیت ایران از سوی واشنگتن تهدید خواهد شد.

پیشنهادها

جمهوری اسلامی ایران با طیف وسیعی از تهدیدات نوین و پیچیده مواجه خواهد بود. به این جهت نیازمند اتخاذ نوعی راهبرد امنیتی است که تأمین‌کننده حداکثر منافع و امنیت ملی باشد. این راهبرد باید، قابلیت پاسخگویی به تهدیدات متنوع را به صورت هم‌زمان داشته باشد. در این راستا پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱. جمهوری اسلامی ایران، به عنوان کشوری که دارای ذخایر غنی نفت و گاز است می‌تواند برآورد کننده نیازهای چین باشد.

۲. در حوزه نظام بین‌الملل، هر دو کشور جمهوری اسلامی ایران و چین، نظم مورد نظر ایالات متحده را نپذیرفته و تلاش دارند تا این نظم را تغییر دهند. در این چارچوب، این دو کشور می‌توانند مکمل یکدیگر محسوب شده و حوزه‌های همکاری خود را گسترش دهند.

۳. حوزه انرژی، از مهم‌ترین حوزه‌های شکل‌دهنده روابط جمهوری اسلامی ایران و چین است؛ بنابراین در این حوزه بایستی روابط توسعه یابد.

۴. جمهوری اسلامی ایران بایستی با پیوستن به ابتکار جاده ابریشم مورد نظر چین، موقعیت جغرافیایی خود را به موقعیت ژئوپلیتیکی تبدیل نماید. به سبب تبعات مثبت اقتصادی و امنیتی بایستی به مسیر جاده ابریشم بپیوندد.

۵. وزارت امور بین‌الملل حزب کمونیست چین که به رهبری چین گزارش می‌دهد و شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران که دستگاه مشورت‌دهنده به رهبری ایران است گفتگوهای دوره‌ای در تهران و پکن داشته باشند تا با موشکافی و آماده کردن طرح‌های لازم برای مقامات ارشد دو کشور، زمینه‌های شکل‌گیری یک همکاری راهبردی را فراهم سازند.

۶. همکاری‌های راهبردی بین سه کشور ایران، چین و پاکستان. این سه کشور لازم است در زمینه توسعه صنایع دفاعی با یکدیگر همکاری نمایند. توسعه چابهار و گوادر و امنیت آن به امنیت اقیانوس وابسته است؛ بنابراین ایجاد نیروی دریایی قدرتمند و

پایگاه‌های دریایی مدرن در چابهار و گوادر برای تأمین امنیت اقیانوس هند ضروری است.

۷. احیای خط دریایی جاده ابریشم قدیم در قالب پروژه یک کمربند- یک جاده. خوشبختانه توافق پاکستان و چین در اتصال کاشغر به بندر گوادر زمینه‌های لازم را برای ادامه این پروژه در دریا فراهم کرده است. اقیانوس هند از آبراه‌های مهم حیاتی دنیا است که هم برای ایران و هم برای چین دارای اهمیت است.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- امید، علی و رشید، معصومه (۱۳۹۴)، جابه‌جایی قدرت‌های بزرگ تا سال ۲۰۲۵ و پیامد سیاسی-امنیتی آن برای ایران، *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، سال ششم، شماره هجده، صص ۱۵۸-۱۲۵.
- برژینسکی، ژبیگنیو (۱۳۸۵)، *پس از سقوط، بازی نهایی در جهان تک‌قطبی*، ترجمه‌ی امیرحسین توکلی، تهران، انتشارات سبزان، چاپ اول.
- بوزان، باری، (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پیکر ینگ، توماس بار (۱۳۷۹)، هند، چین و روسیه از نگاه ایالات متحده آمریکا، ترجمه‌ی مجید علوی‌کیا، *فصلنامه‌ی سیاست خارجی*، سال چهاردهم، شماره ۱، بهار.
- جمشیدی، محمد (۱۳۸۶)، نظام‌های بین‌المللی تک قدرت محور: تک‌قطبی، هژمونی، امپراتوری، *فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی*، سال دهم، شماره‌ی چهارم، شماره‌ی مسلسل ۳۸، زمستان.
- حسن‌خانی، محمد و مسرور، محمد (۱۳۹۶)، ظهور چین: چالش‌های ایالات متحده آمریکا در مواجهه با قدرت روزافزون چین در روابط بین‌الملل، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره اول، شماره بیست و چهارم، صص ۱۸۳-۱۵۹.
- حاتمی، امیر (۱۳۹۸)، مصاحبه در ارتباط با روابط ایران و پکن.
- خبرگزاری فارس، ورلد تریبون: رزمایش دریایی ایران و چین، منافع آمریکا در خلیج فارس را به چالش می‌کشد، برگرفته از:
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=1393070500062714000409>
- زرقانی، سید هادی (۱۳۸۸)، *مقدمه‌ای بر قدرت ملی، مبانی، کارکردها، محاسبه و سنجش*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- زالی، نادر و منصور بی‌رجند، سارا (۱۳۹۰)، *تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه حمل‌ونقل پایدار در افق ۱۴۰۴ کلان‌شهر تهران (روش تحلیل ساختاری)*، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۹.
- قاسمی، حاکم و ناظری، زهرا (۱۳۹۰)، تحولات ژئوپلیتیک در حوزه دریای خزر و تغییر نقش قدرت‌های بزرگ در این منطقه، *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*، سال هفتم، شماره بیست‌وهفتم، صص: ۱۷۳-۱۳۶.

- قلی‌زاده، عبدالحمید و شفیعی، نوذر (۱۳۹۱)، نظریه‌ی چرخه‌ی قدرت: چارچوبی برای تحلیل فرآیند افول قدرت نسبی ایالات متحده و خیزش چین، *فصلنامه روابط خارجی*، سال چهارم، شماره چهارم، صص ۱۶۸-۱۳۷.
- کولایی، الهه و واعظی، طیبه (۱۳۹۱)، تحول سیاست خارجی و توسعه اقتصادی در هندوستان، *فصلنامه‌ی روابط خارجی*، سال چهارم، شماره‌ی اول، بهار، صص ۲۷۲-۲۴۷.
- موسوی، میرنجف و کهکی، فاطمه‌سادات (۱۳۹۷)، *آینده‌پژوهی در آمایش سرزمین: نگاهی به کاربرد نرم‌افزارهای میک‌مک و سناریو ویزارد*، انتشارات دانشگاه ارومیه.
- مؤمنی، اسکندر (۱۳۹۱)، *مرزهای مفهومی امنیت عمومی و امنیت اجتماعی شده، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی*، شماره ۳۱: ۶۱-۲۶.
- محسنی، رضا علی و طاهری، سلیمان (۱۳۹۸)، میزان احساس امنیت عمومی و تعیین عوامل مؤثر بر آن در استان مازندران، *فصلنامه امنیت ملی*، سال نهم، شماره سی و چهارم: ۲۷۵-۲۴۵.

ب. منابع انگلیسی

- Chang, Parris H. (2011) China's Policy Toward Iran and The Middle East, *The Journal of East Asian Affairs*, Vol. 25, No. 1.
- Doran, Charles .F (2003), "Economics, Philosophy of History", and the "Single Dynamic" of Power Cycle Theory: Expectations, Competition, and Statecraft", *International Political Science Review*, Vol 24, No. 1.
- Doran, Charles F ,(2012), "*Power Cycle Theory and the Ascendance of China: Peaceful or Stormy?*", SAIS Review of International Affairs, Volume32, Number1, Winter- Spring.
- Doran, Charles F.(2000), "*Confronting the Principles of the Power Cycle :Changing Systems Structure, Expectations, and Way*", in Handbook of War Studies II , edited by Manus I. Midlarsky,United States of America,published by the University of Michigan press.
- Kissane, Dylan, (2005b), *Curves, Conflict and Critical Points: Rethinking Power Cycle Theory for the Twenty First Century*, BA (Hons) Thesis, School of International Studies Division of Education, Arts and Social Science,University of South Australia.
- Lincoln, Y. S., and E. G. Guba, (1985). *Naturalistic inquiry*, Thousand Oaks, CA: Sage. P: 124.
- World Development Indicators database, World Bank,(2019).